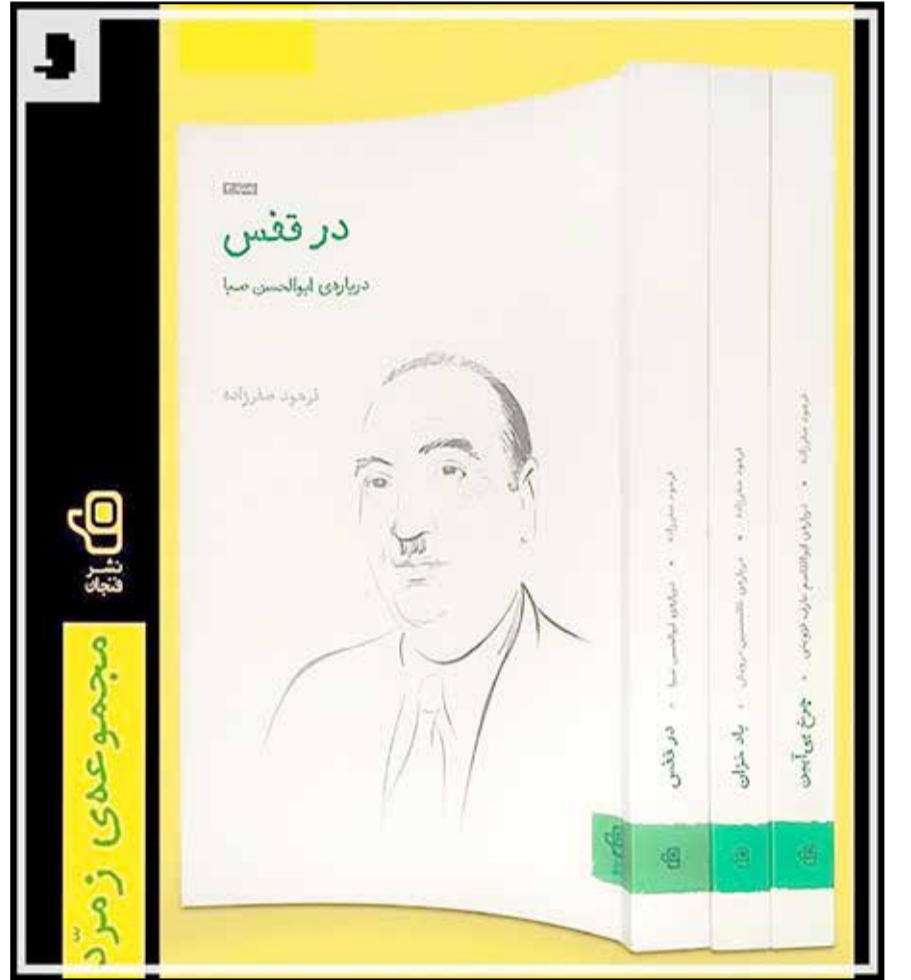


نگاهی به کتاب «در قفس»، نوشته فرهود صفرزاده

صبا، سرآمد هزار توی موسیقی



آن گونه که بود. کمابیش اغلب از این یگانه شنیده‌ایم و جست‌وگریخته درباره او خوانده‌ایم، و اینجاست اثری یا ردی از او را دیده‌ایم خاصه که بس موزیسین‌های بزرگ و بنامی را شاگردان او یافته‌ایم که به استادشان صبا افتخار کرده‌اند و هنرشان را ناشی از تلاش آن معلم یگانه روزگار دانسته‌اند. استادی که به گواه تاریخ جریان ساز پرورش استاد در موسیقی ایرانی بود چراکه شاگردانی به همت او پرورش یافتند که هر یک قله‌ای سترگ شدند. از این رو نوشتن درباره صبایی که از او می‌دانیم زحمت زیادی می‌طلبد و البته پژوهش گسترده‌ای را لازم دارد تا احیاناً چیزی درباره او از قلم نیافتد و در مطالعه دیده شود تا مطالب جدید بازگو نشده‌ای را به



فرهود صفرزاده

دانش مطالعه کننده بی‌افزاید. به همین دلیل جسارت فرهود صفرزاده در این پروژه، «در قفس»، از جنس دیگری است و یا آنچه درباره درویش خان پیش‌تر در کتاب «باد خزانی» نوشته متفاوت است. او درباره کسی دست‌به‌قلم برده که کمابیش از او می‌دانیم و همین مساله کار او را سخت و البته بسیار قابل توجه می‌نماید.

کتاب در چند بخش کلی تقسیم‌بندی شده است، و بخش ابتدایی آن به بازنمایی و شناسایی شخصیت صبا در قالب صبای اصیل، صبای هنرجو، صبای هنرمند، صبای نوازنده، صبای هنرآموز، صبای ردیف‌دان، صبای آهنگساز، صبای نویسنده، صبای پدر و صبای صبور دسته‌بندی شده است و در بخش‌های بعدی فرازهای

مهمی از نوشته‌های او قرار گرفته و بخشی مجزا نیز به یادداشت‌های او اختصاص دارد. البته یادداشت‌های موزیسین‌ها و اشخاص دیگر درباره صبا نیز در بخشی بعدی منتشر شده و حتی سروده‌های دیگران نیز درباره صبا بخشی مجزا دارد. زندگی‌نامه کروئولوژیکال صبا نیز به‌طور مختصر در بخشی انتهایی پیش از کتاب‌نامه و «نام‌نامه» در «گاه‌نامه» آمده است.

آنچه در یادداشت‌های دیگران درباره صبا آمده است نیز همگی بر خصایل نیکو و هنر ممتاز این موزیسین قفید تأکید دارند و البته تنها وزیری است که به حکم استادی از مرگ صبا و قمر به دلیل آفون، همداری به جامعه موسیقی می‌دهد ولیکن هم او نیز ستایشگر شاگرد باذوق و خوش خلق خویش است.

از آنجایی که نویسنده در مقدمه نوشته است که تا ۲۱ سال پس از مرگ صبا برخی انتقاد داشتند که او واپس‌گرا و مرجعی است که نتوانست پای از دایره سنت‌ها بیرون بگذارد و پس از آن عده‌ای صبا را هنرمندی خائن و التقاطی نامیدند که پایش به بیرون از دایره سنت‌ها لغزیده است. وجود یکی دو سند و نوشته مرتبط با این طرح بحث لازم بود تا در کتاب می‌آمد و مخاطب امروزی از کم و کیف موارد انتقادی اطلاع حاصل می‌کرد و ارزیابی آن نیز به نظر او می‌رسید.

اما گویا نویسنده قصد داشته است با شرافتی مثال‌زدنی چهره بدون خدشه و ایرادی از صبا که به راستی هنرمند والایی بود را نشان دهد از این رو در آن خبری از مخالف خوانی و یا نوشته‌ای در مخالفت او نیست. البته دو مورد جزئی هست که آن هم نمی‌تواند مصداق آن ۲۱ سالی که شرحش رفت باشد، یکی کلنل وزیری و دیگری محمدرضا لطفی درباره او کسی مخالفتی ابراز نداشته است.

هر چند خوانندگان اغلب می‌دانند زندگی شخصی صبا در آرامش نبوده و همسر و فرزندان او شغل پدر را نبیندند و همسرش

مدام از او ناراضی بود. که آنهم به میحث واپس‌گرایی و مرجع نامیدن او به دست منتقدان هم‌دوره خودش مربوط نمی‌شود. در صبای اصیل، ما با اصالت دُنَبَلی صبا مواجه می‌شویم که طایفه‌ای کرد در خوی بودند و حتی می‌دانیم چرا اصل و نصب صبا را تبریزی می‌خوانند و چرا پدر بزرگش کاشی محسوب می‌شده است و حتی می‌دانیم پدرش کمال السلطنه متمول بوده اما در هیچ جای کتاب علت اینکه صبا از طبقه متوسط جامعه و نه اشراف و دربار محسوب شده است نیامده؛ چرا که او تا آخر عمر با مساله غم نان دست‌به‌گریبان بود و همین مساله زن و زندگی او را از معطوف ساختن صد در صد وقت و عمرش به موسیقی وامی‌داشت که خود نیز بارها بدان اذعان کرده و گله‌مند بوده است.

درباره شاگردان او، فرهود صفرزاده در حد اکمل اسامی را آورده حتی آواز خوانانی که از صبا تعلیم گرفته‌اند را نیز بر شمرده است که همین برای مخاطب کمتر آشنا به مقوله چند وجه استادی صبا کمک بسیاری می‌نماید. اما به‌طور مثال اسمی از عباس شاپوری در بخش سازندگان ساز که از صبا تعلیم گرفته‌اند نیست، و در بخش انتشار ردیف آوازی آنچه لازم است باشد و نیست همان نتیجه پیگیری امروزی پژوهشگر است که سرانجام علت عدم انتشار ردیف آوازی صبا و یا موجود نبودن آن را مشخص نمی‌نماید.

با آنکه نویسنده تمام تلاش و دقت خود را معطوف بر آکشی و بیرون آوردن نوشته‌های قدیمی درباره صبا به کار برده و از آنها در کتاب ردیف بر جامانده‌ها از بعضی مطالب متاخر منتشر شده درباره صبا در کتاب خبری نیست و یا صفرزاده آنها را مورد توجه قرار نداده است. مطلب «صبا» به روایت سه تارش»، منتشر شده در فصلنامه موسیقی ماهور، شماره ۱۴ زمستان سال ۸۰، و مقاله «صبا، نسیم دگرگونی‌ها؛ نگاهی به چند نکته مهم زیبایی شناختی در آثار

صبا» منتشر شده بر روی وب‌سایت گفتگوی هارمونیک در سال ۹۰، از جمله آنهاست. و از این رو جای خالی نقد صریح ابعاد هنری صبا در این کتاب خالی است. هر آنچه راجع به ستایش هنر موسیقی، آموزگاری، تلاش و عشق بیکران او که منشأ خلاقیت او بوده بیان شده است. لازم است یک‌بار در ظرف زمانه و اجتماع خودش نیز مورد بررسی قرار گیرد که چرا مرجع و واپس‌گرا خوانده شده است.

و سرانجام اینکه مجموعه کارهای سلسله‌وار که گاهی به کنایه آنها را «سری‌دوزی» می‌نامند تنها نکته‌ای است که می‌تواند تهدیدی جدی برای تلاش این پژوهشگر صفرزاده، باشد که دست به نوشتن پژوهش‌هایی درباره شخصیت‌های مهم یک‌صدسال گذشته موسیقی زده است و این ایراد در کتاب سوم مجموعه زمرد کتاب‌های نشر فتنجان در مقایسه با کتاب دوم صفرزاده، درباره درویش خان، که انگیزه آن خودانگیختگی و در خلأ نبود هیچ اطلاعاتی درباره درویش خان نوشته شده بود حالا دارد خود را نشان می‌دهد که پیش سفارش و کارهایی از این دست نیز می‌تواند به ورطه کم‌بضاعتی بیافتد و یا به علت وقت محدود و اصرار بر انتشار در سر موعده مقرر به اصلاحات و ویرایش‌هایی در جلد‌های بعدی بینجامد که البته اگر به ویرایش‌های بعدی و تکمیل شدن آن بینجامد بسی سعادت خواهد بود.

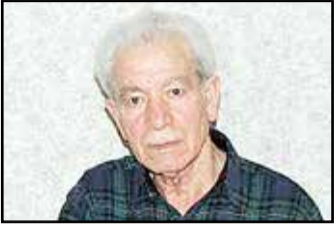
جسارت فرهود صفرزاده در این پروژه، «در قفس»، از جنس دیگری است و یا آنچه درباره درویش خان پیش‌تر در کتاب «باد خزانی» نوشته متفاوت است. او درباره کسی دست‌به‌قلم برده که کمابیش از او می‌دانیم و همین مساله کار او را سخت و البته بسیار قابل توجه می‌نماید.

صبا؛ منتشر شده بر روی وب‌سایت گفتگوی هارمونیک در سال ۹۰، از جمله آنهاست. و از این رو جای خالی نقد صریح ابعاد هنری صبا در این کتاب خالی است. هر آنچه راجع به ستایش هنر موسیقی، آموزگاری، تلاش و عشق بیکران او که منشأ خلاقیت او بوده بیان شده است. لازم است یک‌بار در ظرف زمانه و اجتماع خودش نیز مورد بررسی قرار گیرد که چرا مرجع و واپس‌گرا خوانده شده است.

و سرانجام اینکه مجموعه کارهای سلسله‌وار که گاهی به کنایه آنها را «سری‌دوزی» می‌نامند تنها نکته‌ای است که می‌تواند تهدیدی جدی برای تلاش این پژوهشگر صفرزاده، باشد که دست به نوشتن پژوهش‌هایی درباره شخصیت‌های مهم یک‌صدسال گذشته موسیقی زده است و این ایراد در کتاب سوم مجموعه زمرد کتاب‌های نشر فتنجان در مقایسه با کتاب دوم صفرزاده، درباره درویش خان، که انگیزه آن خودانگیختگی و در خلأ نبود هیچ اطلاعاتی درباره درویش خان نوشته شده بود حالا دارد خود را نشان می‌دهد که پیش سفارش و کارهایی از این دست نیز می‌تواند به ورطه کم‌بضاعتی بیافتد و یا به علت وقت محدود و اصرار بر انتشار در سر موعده مقرر به اصلاحات و ویرایش‌هایی در جلد‌های بعدی بینجامد که البته اگر به ویرایش‌های بعدی و تکمیل شدن آن بینجامد بسی سعادت خواهد بود.

نوا

پیشنهاد نام‌گذاری بوستان به نام «ابراهیم قنبری مهر»



جمعی از هنرمندان عرصه موسیقی نام‌های به شورای شهر تهران نوشتند و در آن خواستار نام‌گذاری یک بوستان تازه تأسیس به نام «ابراهیم قنبری مهر» سازنده سرشناس ساز شدند و این نامه را به «محمدجواد حق‌شناس»، رئیس کمیسیون نام‌گذاری شورای شهر، دادند. این بوستان در منطقه سعادت آباد و در نزدیکی با خانه این هنرمند قرار دارد. از جمله هنرمندانی که این نامه را امضا کرده‌اند می‌توان به افیلیا پرتو، لوریس چکناواریان، شهرام ناظری، کامبیز روشن‌روان، داود گنجه‌ای، نادر مشایخی، فریدون شهپازیان، محمد مقدسی، حسن ربیعی، هنگامه اخوان، کیخسرو پورناظری، قاسم‌فغتی، بیژن بیژنی، زیدالله طلوعی، آذر هاشمی، کیوان ساکت، میلاد کیانی، حسین پرنیا، عبدالحسین مختاباد، بهناز ذاکری، محمدعلی لقا، جلال‌الدین محمدیان، و... اشاره کرد.

نوا

اخبار و اسناد
کلنل علیق‌وزیری
در مطبوعات عصر قاجار و پهلوی
و آرشیا اسناد ملی



به کوشش مهدی نورمحمدی
ناشر: ماهور ۱۳۹۸

کلنل علیق‌وزیری یکی از سرشناس‌ترین موسیقی‌دانان و چهره‌های فرهنگی ایران در قرن حاضر است. او دارای شخصیتی جامع در عرصه موسیقی بود و با موسیقی سنتی و مبنای موسیقی غربی به خوبی آشنایی داشت. تبحر در نوازندگی تار و ویولن، تألیف کتب آموزشی، آهنگسازی، رهبری ارکستر، تأسیس مدرسه موسیقی و پرورش شاگردان متعدد، تأسیس کلوب موزیکال و اجرای کنسرت‌های گوناگون، داشتن سمت‌های اداری در تشکیلات موسیقی و اسناد دانسته‌ها همه نشانگر توانایی‌های این شخصیت بزرگ فرهنگی است. وزیری نماد بارز یک دوران خاص در ایران محسوب می‌شود، زیرا در عصری که حرکت‌هایی به منظور نوسازی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران آغاز شده بود، با تأسیس مدرسه عالی موسیقی و کلوب موزیکال و اجرای کنسرت‌هایی که برخی از آن‌ها با سخنرانی درباره اهمیت موسیقی و جایگاه آن همراه بود، تحولی در موسیقی ایرانی پدید آورد و اقدامات او مورد حمایت و تأیید منورالافکاران و تجددخواهان آن زمان قرار گرفت. در مقابل، عده‌ای از هواداران مکتب موسیقی قدیم که آثار وزیری را تحریف از مبنای موسیقی سنتی و آسیبی جدی به اصالت‌های آن می‌دانستند، به نقاد افکار او پرداختند و عملکردش را به‌طور جدی زیر سؤال بردند. کتاب حاضر را با اتکا به اخبار مطبوعات و اسناد تاریخی به پیشگاه اهل تحقیق و علاقه‌مندان موسیقی عرضه می‌دارد، بدین امید که این کوشش ناچیز موجب شناخت بیشتر وزیری و منشأ پژوهش‌های بعدی درباره او گردد. این کتاب در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول حاصل کند و کاو جستجوی گسترده درباره وزیری در روزنامه‌های اواخر دوران قاجار و پهلوی اول و مجلات عصر پهلوی دوم است که برخی از آن‌ها کمیاب و یا دیرپاب هستند. بخش دوم کتاب، اختصاص به اسنادی دارد که از آرشیا سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران استخراج شده است.



متوجه گذر زمان کنسرت تا لحظه پایان نشدم از بس موسیقی و اجرا را با خود به‌جای دیگر برده بودم و زمان زود گذشت. عالی بود.

لازم به توضیح است که کنسرت «شهر خاموش» کیهان کلهر و کوارتت زهی «مینیاتور» پس از آخرین اجرا در تالار وحدت که شامگاه پنجشنبه انجام شد به شهرهای همدان و کرمانشاه و ساری خواهد رفت و میهمان مردم سایر نقاط ایران خواهد بود.

شده که بی‌رویه برای همگان خرج می‌شود از این رو تنها به اسم اکتفا کردم چرا که «حسین علیزاده» خود به اندازه کافی و گو‌یاست.

این معرفی شور و وجدی در سالن به وجود آورده بود که تمام حاضرین به احترام رفاقت درین علیزاده و کلهر از جای برخاستند و آنها را مورد تشویق قرار دادند. پس از پایان اجرا نیز علیزاده در پشت‌صحنه کنسرت حاضر شد و ضمن ابراز رضایت از اجرا عنوان کرد: «اصلاً

تجدید رفاقت‌ها در شهر خاموش

علیزاده به تماشای کلهر نشست

هجدهمین اجرای کنسرت «شهر خاموش» کیهان کلهر و کوارتت «مینیاتور» با حضور حسین علیزاده به‌عنوان میهمان ویژه این اجرا، آن را به شبی فراموش‌نشده برای علاقه‌مندان موسیقی ایرانی تبدیل کرد. شبی که تالار وحدت عظمت و بزرگی فراموش‌ناشدنی را در زیر سقف خود می‌دید. چرا که در دهه گذشته کمتر فرصت بروز رفاقت‌ها و صمیمیت‌ها اینگونه پیش آمده است.

چهارشنبه گذشته حسین علیزاده، آهنگساز و نوازنده تار، به تماشای کنسرت کیهان کلهر یار سال‌های نه‌چندان دورش در آلبوم‌های «فریاد»، «زمستان است»، «بی‌توبه سر نمی‌شود»، «ساز خاموش» و «سرود مهر» نشست. علیزاده که بدون اعلام قبلی به کنسرت کلهر آمده بود با حضور در پشت‌صحنه همگان را غافلگیر کرد و البته مورد استقبال گرم کیهان کلهر قرار گرفت، چنانچه کلهر علی‌رغم غافلگیری به شوق حضور علیزاده در زمان ساوندچک، برای او آغوش کشیدن یار قدیمی از جای

برخاست و به‌سوی او شتافت. با آغاز برنامه چهارشنبه شب کنسرت «شهر خاموش» نیز پس از اجرای قطعه «طرکه» همانند همیشه کیهان کلهر به معرفی قطعه نواخته شده و همکارانش پدram فریوسفی، میثم مروستی، بهتاش ابوالقاسم، فرشید پاتینیان، آتنا اشتیاقی و نیلوفر محبی پرداخت و سپس در یک اقدام ویژه به علت اهمیت حضور استاد حسین علیزاده این میهمان مهم را معرفی کرد و گفت: «هر شب میهمانان و هنرمندان عزیز به دیدن این کنسرت آمده‌اند اما امشب کسی در اینجا حضور دارد که باید او را هم اکنون معرفی کنم؛ کسی که در نوجوانی ام‌سال‌ها با موسیقی او مانوس بوده‌ام و در دوران جوانی موسیقی او معلم من بوده. او را دوست می‌دارم و در زمان‌های بعدتر نیز افتخار همکاری با او را داشتم، امشب حسین علیزاده در اینجا حضور دارد که بسیار از این حضور خوشحالم و تشکر می‌کنم.»

کلهر همچنین گفت: «علیزاده را «استاد» خطاب نکردم چون این روزها واژه «استاد» بر حسب بدون لیاقتی